

اندیشه‌های جمعیتی ابن سینا با تأکید بر باروری

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۲۰

علی انتظاری^۱

عهدیه اسدیپور^۲

چکیده

با عنایت به ضرورت کشف سنت مطالعاتی متفکران مسلمان و همچنین مسئله باروری که از موضوعات مهم این زمان است مقاله حاضر درصدد بررسی و تحلیل مفهوم باروری و بهداشت باروری در اندیشه‌های ابن سینا، پزشک و فیلسوف ایرانی (۳۷۰ - ۴۲۸ هـ.ق) است. روش مورد استفاده در این بررسی نیز روش اسنادی-تحلیلی است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ابن سینا در آثار خود علاوه بر بحث در باب زنان، یعنی کسانی که نقش فرزندآوری را برعهده دارند، درباره ازدواج که مبنایی برای فرزندآوری مشروع است و پدیده طلاق که درباره گسست پیوند زناشویی و فرزندآوری مشروع را ازهم می‌گسلد بحث نموده است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد وی به صورت مستقیم به بحث باروری و تنظیم خانواده (مانند سن مناسب ازدواج، راه‌های پیشگیری از حاملگی و...) پرداخته و از مباحث بهداشتی درباره پدیده باروری غفلت نموده و از مرگ جنینی در طول دوران بارداری، مرگ مادر در دوران بارداری و در هنگام زایمان سخن گفته و به صورت کاملاً مبسوط و با دیدی تخصصی و پزشکی به تشریح و توصیف آنها پرداخته است.

واژگان کلیدی: ابن سینا، زنان، ازدواج و تشکیل خانواده، طلاق، باروری، تنظیم خانواده، مرگ جنینی.

۱. استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران- دانشگاه الزهرا (س)

مقدمه و بیان مسئله

جمعیت یکی از عوامل مرتبط با تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی در سطح ملی و بین‌المللی است. به سبب همین رابطه و پیوستگی میان جمعیت و دیگر ابعاد جهان اجتماعی، مطالعه آن، به‌ویژه در دنیای امروزی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. باید اذعان داشت، در همه تعاریف ارائه‌شده در ادبیات جمعیت‌شناختی^۱، به‌طور مشترک، بر مطالعه جمعیت‌ها و تغییر و تحول آنها تأکید شده که عبارت‌اند از: باروری^۲، مرگ‌ومیر و مهاجرت. هرکدام از این اجزاء یا مؤلفه‌های اصلی^۳ تغییر و تحولات جمعیتی، نقش اساسی و قابل‌توجهی در نوسانات و تحولات رشد جمعیت در گذشته و به‌ویژه در دهه‌های اخیر داشته‌اند (میرزایی و علیخانی، ۱۳۸۶: ۳۵). در این میان، هرچند گفته می‌شود که مطالعه علمی جمعیت-شناسی با مطالعه مرگ‌ومیر شروع شد و به‌عنوان «اولین موضوعی بوده که اذهان بشر را همواره به خود معطوف داشته» (Shryok, 1975: 221) اما باید گفت زمانی که در جامعه‌ای، مرگ‌ومیر اتفاق بیفتد و تولدی صورت نگیرد، تا جایگزین این جمعیت مرده گردد، جامعه مزبور با نیستی همگام می‌شود.

تغییرات و تحولات در سطح جامعه در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بر بعد جمعیتی جامعه نیز اثرگذار هستند و می‌توانند الگوها و کنش‌های جمعیتی از جمله کنش‌های مرتبط با باروری را دچار تغییر و تحول کنند. از جمله تحولات مرتبط با باروری در جامعه ایرانی، کاهش سطح باروری است. همان‌طور که مطالعات عباسی شوازی و مک‌دونالد (۲۰۰۵) نشان داد، کاهش باروری در ایران به‌طور هم‌زمان در تمام مناطق جغرافیایی و گروه‌های سنی تولیدمثل صورت گرفته و «در همه استان‌ها» (عباسی شوازی و حسینی چاوشی، ۱۳۹۰: ۱۱) به‌صورت ملموس و عینی نمایان شده‌است. این کاهش به‌حدی بوده که امروزه کارشناسان و جمعیت‌شناسان از باروری زیر سطح جایگزینی در جامعه ایرانی سخن می‌گویند؛ یعنی

۱. پاره‌ای از این تعاریف بدین شرح‌اند: جمعیت‌شناسی عبارت است از «مطالعه جمعیت‌های انسانی در ارتباط با تغییرات ناشی از فعل و انفعالات مولید، مرگ‌ها و مهاجرت» (Preston, 1985: 54)؛ «مطالعه علمی جمعیت‌های انسانی، اساساً با توجه به‌اندازه، ساخت و توسعه آنها» (United Nations, 1958: 3).

2. Fertility

3. Major Components

باروری‌ای که در آن نرخ رشد زیر ۲/۱ درصد است و این امر نتیجه‌ای جز سالخوردگی جمعیت به همراه نخواهد داشت.

براین اساس متفکران پیشین از میان پارامترهای جمعیتی، در درجه اول، نگران مرگ‌ومیر بوده‌اند. به همین سبب در هنگام تغییرات ناگهانی در شمار جمعیت به میزان شیوع مرگ‌ومیر توجه می‌کردند؛ اما متفکران علاوه بر اینکه به مرگ‌ومیر و به موازات آن، تأخیر در مرگ توجه می‌نمودند، باروری و تولد نیز مغفول نمی‌گذارند. بر همین اساس در این مقاله به باروری از منظر ابن سینا توجه شده است.

باید اذعان نمود که جمعیت‌شناسان باروری را بیشتر از پدیده‌های دیگر جمعیتی، چون مرگ‌ومیر و مهاجرت، مرتبط با فرهنگ جامعه می‌دانند؛ در واقع در حوزه باروری، جامعه‌شناسی جمعیت بیشتر از سایر حوزه‌ها در جریان است؛ چراکه زادوولد با ارزش‌ها و نگرش‌های افراد جامعه رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. لذا نگرش‌ها و زمینه‌های فرهنگی افراد می‌تواند بر باروری و میزان آن تأثیرگذار باشد. یکی از راه‌های دستیابی به چنین شناختی می‌تواند ادبیات موجود باشد؛ یعنی بررسی پیشینه نظری (مانند نظریه‌های بیولوژیک یا زیستی؛ نظریه‌های اقتصادی؛ نظریه‌های اقتصادی-اجتماعی و نظریه‌های اجتماعی-فرهنگی) و تجربی وسیعی که در زمینه باروری وجود دارد؛ اما نکته قابل ذکر این است که بنیان‌گذاران و ابداع‌کنندگان غالب دیدگاه‌های نظری، متفکرانی از دیگر جوامع به‌شمار می‌آیند. درحالی‌که پیش‌زمینه و بسترهای نظری ادبیات موجود را باید علاوه بر تمدن‌های عظیمی چون یونان و رُم باستان، در تمدن اسلامی جست که سرزمینی پهناور از نظر موقعیت جغرافیایی، اقلیمی و استراتژیک بود و در دوران خود، ویژگی‌های ممتازی در منطقه داشت و ادعا نمود که تمدن اسلامی و اندیشمندان برخاسته از آن نیز، از نظر علمی و فرهنگی، سهمی به‌سزا و نقش اساسی در تحول جوامع انسانی داشته است. از جمله این اندیشمندان، ابن‌سیناست که از او به‌عنوان فیلسوف و پزشک زبردست ایرانی یاد می‌شود.

ابن سینا در عهد دولت نوح بن منصور سامانی، یعنی به سال ۳۷۰ ه.ق/ ۹۸۰ م، «در انشئه نزدیک بخارا» (دی‌بور، ۱۳۴۳: ۱۴۰) به دنیا آمد. از نظر سیاسی، در قرن چهارم ه.ق، یعنی بعد از فروپاشی سلسله اموی و قدرت یافتن عباسیان، دولت‌های جداگانه‌ای در امپراطوری اسلامی

پدید آمد؛ این «تجزیه تا حدود ۳۲۴ هـ (۹۳۵ م)» (متز، ۱۳۶۴: ۱۳) انجام یافت؛ اما وجود ولایت‌ها و تعدد والیان به محدودیت مفهوم اسلام و وطن اسلامی منجر نشد، بلکه همه این سرزمین‌ها مملکتی واحد تلقی می‌شدند: مملکت اسلام در برابر مملکت کفر؛ «درواقع وحدت سرزمین‌های اسلامی به حدود سیاسی جدید محدود نشد و این عکس‌حالتی بود که در امپراطوری آلمان در قرن نوزده» (متز، ۱۳۶۴: ۱۴) رخ داد. از نظر شرایط اقتصادی باید گفت بلاد اسلامی در شرایط یکسانی نبودند؛ بدین معنا که فقر و بدبختی در برخی از بلاد امپراطوری اسلامی مانند بغداد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۰: ۱۲۶) و فراوانی نعمت و توسعه در برخی دیگر مانند مصر به روزگار اخشید و کافور و فاطمیان (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۴۱، المقدسی، ۱۳۶۱: ۱۹۷) بود. مضاف‌براین در این دوره، تنوع اقلیت‌های مذهبی در تمدن اسلامی به چشم می‌خورد.

اما با وجود شرایط فوق، چرا مستشرقینی مانند آدام متز، از آن به‌عنوان «دوران طلایی مسلمان» یا «دوره رنسانس مسلمین» (متز، ۱۳۶۴: ۹) یاد می‌کنند؟ باید اذعان داشت که علت گزینش چنین عنوانی برای این دوره - که از اواخر قرون سوم هجری شروع شد و تا میانه‌های قرن پنجم ادامه داشت - پیشرفت‌های علمی و ادبی است. شکی نیست که هریک از تمدن‌های بزرگ، از جمله تمدن ایران،^۲ از یک‌سو و شکل‌گیری نهضت ترجمه و آشنایی با دانش یونانی و از سوی دیگر در توسعه و رشد علمی و شکل‌گیری دوره رنسانس اسلامی نقش داشته‌اند؛ اما آنچه این ترقیات علمی و پیشرفت‌های مادی را برای مسلمانان میسر ساخت، در حقیقت همان اسلام بود که با تشویق مسلمانان به علم و ترویج نشاط حیاتی، روح معاضدت و تساهل را جانشین تعصبات دنیای باستانی کرد و با توصیه آنان به «راه وسط» توسعه و تکامل صنعت و علوم انسانی را تسهیل کرد. وجود چنین شرایطی، نتیجه‌ای جز شکوفایی تمدن اسلامی را دربر نداشت. از مطالعات متنوع در این زمینه چنین برمی‌آید که از یک‌سو چیرگی دیدگاه اسلام در

۱. بخش‌های تجزیه‌شده مملکت اسلامی که هر امیری بر قلمرو خود مسلط شده استقلال یافت، عبارت‌اند از: خاندان بویه در فارس، ری، اصفهان و غرب ایران، محمدبن الیاس در کرمان، خاندان حمدان در موصل و دیار بکر و شمال بین‌النهرین، محمد بن طغج ملقب به اخشید در مصر و شام، فاطمیان در تونس، مراکش، عبدالرحمان اموی ملقب به ناصر در اندلس، ابوطاهر قرمطی در یمامه و بحرین، دیلمیان در طبرستان و گرگان، نصر بن احمد سامانی در خراسان و ماوراءالنهر و در آخر آل‌برید در اهواز، واسط و بصره قدرت یافتند و به جز بغداد و اطراف آن چیزی در دست خلیفه نماند (مسکویه، ۱۳۶۹: ۵۵۴-۵۵۳).

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به پورحسینی، ۱۳۵۰؛ سامی، ۱۳۶۵ و قربانی، ۱۳۱۴.

مورد اهمیت علم و فراگیری دانش، مکتب ائمه اطهار (سلام‌الله علیهم)، به‌ویژه مکتب آموزشی امامان باقر (ع) و صادق (ع)، در دوران فترت میان سقوط امویان و تحکیم قدرت عباسیان و شکل‌گیری نهاد مناظره برخاسته از این مکتب نقش برجسته‌ای در پیدایش زمینه‌های شکوفایی تمدنی در قرن چهارم ایفا نمود. درواقع، شکل‌گیری نهاد مناظره که تجلیات و نشانه‌های آن را می‌توان در زمان خلافت مأمون و بعدی‌ها یافت موجب شد تا جریان اندیشه به سیلان و زایش بیفتد و نتیجه آن در شکل‌گیری جلوه‌های تمدنی قرن چهارم نمود یابد. علاوه بر موارد ذکرشده که مستقیماً برخاسته از بستر دینی است که احمد اشرف و علی بنوعزیزی نیز با تحریفاتی به آن اشاره می‌کنند (اشرف و بنوعزیزی، ۱۳۸۷)، نقش تمدن باستانی ایران و مهاجرت گروه‌های قومی و کناره‌م‌قرار گرفتن فرهنگ گوناگون را نباید نادیده گرفت (انتظاری، ۱۳۸۹).

نکته قابل‌توجه این است که ابن‌سینا، که یکی از مشاهیر این دوره است، صرفاً یکی از آنهاست. به این معنا که دانشمندان برجسته متعددی در این دوره رشد و نمو کردند، لکن همه آنها به اندازه ابن‌سینا، بیرونی، رازی، خیام، فردوسی، جرجانی و... شناخته نشدند. میزان تأثیر و نفوذ آثار ابن‌سینا در طب، به‌ویژه کتاب *قانون وی*، در خاور اسلام بسیار است. این اثر تا قریب هفت قرن (تا اواسط قرن هفدهم میلادی) از مهم‌ترین و مشهورترین آثار پزشکی در شرق و غرب بوده است. کتاب *قانون* در اروپا به زبان لاتین ترجمه و منتشر گردید و تا ۱۶۵۰ میلادی در بسیاری از دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شد. همچنین دوران در بخش تمدن اسلامی کتاب *عصر ایمان*، می‌نویسد: «کتاب *شفاء* و *قانون* ابن‌سینا اوج کمالی است که تفکر قرون وسطی بدان دست‌یافته ... نفوذ وی [ابن‌سینا] بسیار دامنه‌دار بود و از دیار مشرق گذشته به اندلس رسید و در فلسفه ابن‌رشد و ابن‌میمون اثر گذاشت و به دنیای مسیحی لاتینی و فیلسوفان مدرسی نیز رسید» (دورانت، ۱۳۴۳: ۱۷۵).

این مقاله با واریسی اندیشه‌های ابن‌سینا در آثار به‌جای مانده از وی تلاش دارد تا اندیشه‌های جمعیتی مرتبط با باروری را مورد توصیف و تبیین قرار دهد. درواقع، در پی آن هستیم تا با مطالعه آثار برجای‌مانده از شیخ‌الرئیس به اندیشه‌های جمعیتی وی در زمینه فرزندآوری دست یابیم. به عبارتی هدف این پژوهش شناخت آرا و اندیشه‌های جمعیتی ابن‌سینا در باب باروری است. پرسش اصلی این است که ابن‌سینا در آثار خود، در باب باروری، عناصر مفهومی مرتبط با آن مانند نوع نگاه به زنان، ازدواج و طلاق، تنظیم خانواده و بهداشت باروری چه دیدگاهی را ارائه داده و چگونه درصدد توصیف، تشریح، تحلیل و تبیین آنها برآمده است؟

پیشینه تحقیق

اندیشه‌ها و آراء شیخ‌الرئیس از جنبه‌های گوناگون مورد توجه و بررسی قرار گرفته‌است. از جمله توجه به نظریات فلسفی (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰؛ اسعدی و معلمی، ۱۳۹۱ و...)، خداشناسی (یعقوبیان، ۱۳۸۶)، معرفت‌شناسی (کلباسی اشتری، ۱۳۷۱ و...)، هستی‌شناسی (محمدرضایی و دیگران، ۱۳۸۹) فلسفه سیاسی (ندری ایبانه، ۱۳۶۹؛ یوسفی، ۱۳۸۹)، برهان عشق (نعمتی، ۱۳۸۹)، موسیقایی (دهقانی منشادی، ۱۳۷۷)، تربیتی (کارگری، ۱۳۸۶)، پزشکی (نجم‌آبادی، ۱۳۵۲) و اجتماعی (نفیسی، ۱۳۶۸؛ نصر، ۱۳۸۴) را می‌توان برشمرد. با توجه به آراء ابن‌سینا در زمینه‌های مختلف علمی، باید بدین نکته اشاره نمود که ابن‌سینا حوزه‌های دانش را در پیوند با یکدیگر می‌دید. همان‌گونه که وی اسم کتاب فلسفه و منطق خود را *شفا* و نام کتاب پزشکی‌اش را *قانون* نهاد. رویکرد شیخ‌الرئیس با رویکردهای غربی مدرن متفاوت است که به صورت تخصصی علوم را دسته‌بندی و شاخه‌شاخه نموده‌اند.

اما دانسته‌های ابن‌سینا را نمی‌توان تنها به حوزه‌های علمی فوق نسبت داد. از آنجایی که ابن‌سینا به کار طبابت مشغول بوده این نکته به ذهن نویسندگان خطور نموده که با توجه به رابطه‌ای که بین زادوولد با نکات، دستورات و توصیه‌های پزشکی و بهداشتی وجود دارد، می‌توان ادعا نمود که متفکر مسلمان مورد بحث در این پژوهش علاوه بر طبیبی حاذق و شهیر، اندیشمندی جمعیتی است که در زمینه باروری و عوامل مرتبط با آن سخن‌های قابل تأمل گفته باشد؛ اما با وجود اهمیت و اعتبار اندیشه‌های به نگارش درآمده توسط شیخ‌الرئیس، تحقیقات و داده‌ها در زمینه مذکور، محدود بوده و حجم کمی را دربر می‌گیرد. حتی می‌توان این‌گونه ادعا نمود که در زمینه اندیشه‌های جمعیتی ابن‌سینا تحقیقی به صورت منسجم و جامع انجام نشده‌است. یکی از نمونه‌های نادر در این زمینه، کتاب *درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی* نوشته احمد کتابی است که در مباحث «پیشگیری از حاملگی از نظر اطباء اسلامی» (۱۳۸۷: ۵۱) و «طرفداری از تکثیر نفوس در بین فلاسفه شرق: ابن‌سینا» (۱۳۸۷: ۶۲)، به صورت کاملاً مختصر، به اندیشه‌های جمعیتی ابن‌سینا اشاره نموده‌است. بر همین اساس در مقاله حاضر تلاش خواهیم نمود تا اندیشه‌های مرتبط با باروری ابن‌سینا را بازگو نماییم تا گامی هرچند کوچک در جهت شناسایی اندیشه‌های جمعیتی در حوزه فرزندآوری این متفکر مسلمان برداریم.

چارچوب مفهومی

علم جمعیت‌شناسی^۱ با اصول و قواعدی مستقل و مستحکم به‌عنوان علمی جدید شناخته و پذیرفته شده‌است؛ اما مفاهیمی که امروزه در این علم مورد بررسی و کاوش قرار می‌گیرند نظیر زادوولد، مرگ‌ومیر و مهاجرت و... چیزی نیست که مختص دوران مدرن باشد و به تمدن‌های خاصی از تاریخ مرتبط گردد؛ بنابراین می‌توان گفت که در تمدن بزرگ اسلامی نیز متفکران مسلمانی می‌زیسته‌اند که در کنار دغدغه‌های فکری خود به موضوع جمعیت و مفاهیم به‌کاررفته در آن نیز توجه داشته‌اند. از جمله این متفکران می‌توان به ابن سینا اشاره نمود. البته این امر بدان معنا نیست که ابن سینا را جمعیت‌شناس، به معنایی که در دوران مدرن مطرح است، معرفی نماییم بلکه منظور این است که از میان آثار برجای‌مانده از این اندیشمند بزرگ می‌توان اندیشه‌های جمعیتی او را مورد شناسایی و استنباط قرار داد.

از آنجایی که پژوهش حاضر درصدد کنکاش پدیده باروری به‌طور عام و یکی از مهم‌ترین ابعاد آن تحت عنوان «بهداشت باروری»^۲ به‌طور خاص در آثار ابن سیناست، لازم است تا این مفهوم را به‌صورت مختصر شرح دهیم.

زایش مفهوم بهداشت باروری و توجه به این بُعد مهم از پدیده باروری، به کنفرانس جهانی جمعیت و توسعه در قاهره (مصر) برمی‌گردد که در سال ۱۹۹۴ میلادی، برگزار شد. تا قبل از کنفرانس مذکور، بیشترین توجه به مبحث تنظیم خانواده مرتبط می‌شود. در واقع موضوع تنظیم خانواده «به‌خصوص پس از جنگ جهانی دوم ۱۹۴۵-۱۹۳۹ میلادی و بعد، توجه دُول به منابع زیستی و امکانات و آهنگ افزایش این منابع و سپس مقایسه این آهنگ افزایش و محدودیت آن نسبت به میزان افزایش نگران‌کننده جمعیت مطرح شد» (امانی، ۱۳۸۹: ۸۹). تنظیم خانواده را «مهم‌ترین سیاست ژرفانگر و با کارایی کوتاه‌مدت» (امانی، ۱۳۸۹: ۸۲) معرفی می‌کنند که سعی دارد به زوجین کمک کند تا متناسب با سطح زندگی خویش، تعداد فرزند دلخواه و ایده‌آل‌شان را در زمان مناسب به‌دنيا آورند. همچنین تا فرارسیدن زمان مناسب با وسایل جلوگیری از بارداری آشنایی داشته و از آنها استفاده نمایند؛ اما با نمایان شدن کاستی‌های تنظیم خانواده، از سال ۱۹۹۴، این واژه، جای خود را به مفهوم گسترده‌تر بهداشت باروری داد که از آن به‌عنوان جزء کوچکی از توسعه پایدار انسانی - زیست‌محیطی یاد شده که علاوه بر توجه به ابعاد زیستی - پزشکی به عوامل اجتماعی - فرهنگی نیز توجه لازم را مبذول می‌دارد.

بهداشت باروری به حالتی از سلامتی کامل جسمی، روانی و رفاه اجتماعی، که مرتبط به سیستم تولیدمثل و روند و کارکرد آن است، اطلاق می‌شود؛ به طوری که دربرگیرنده خدمات تنظیم خانواده، ایدز و بیماری‌های مقاربتی، سلامت مادر و نوزاد و خشونت جنسی است (UNHCR, 1999). به عبارت دیگر، همان‌گونه که سازمان بهداشت جهانی اذعان می‌دارد، بهداشت باروری صرفاً به معنای فقدان بیماری در زمینه سیستم باروری و عملکرد آن نیست بلکه سلامت کامل جسمانی، روانی و اجتماعی مرتبط با مقوله باروری در انسان است (W.H.O. 1997: 1) و به نوعی دربرگیرنده طیف وسیعی از مسائل بهداشتی از قبل تولد تا زمان مرگ فرد است. بدین ترتیب، بهداشت باروری منعکس‌کننده سلامت مردان و زنان است و در عین حال بر سلامت نسل‌های آینده نیز اثرگذار است.

به لحاظ اهمیت بهداشت باروری در توسعه اقتصادی- اجتماعی کشورها، کنفرانس جهانی جمعیت و توسعه مصر (ICPD) بر لزوم ارتقای برنامه‌های بهداشت باروری در جهان تأکید نموده (Golbasi and Taskin, 2009: 396 & Moronkola, Ojediran and Amosu, 2009: 156) و کشورهای شرکت‌کننده در این کنفرانس بهداشت باروری را در زمره حقوق بشر قلمداد کرده‌اند و هدف خود را دسترسی همگان به اطلاعات و خدمات بهداشت باروری تا سال ۲۰۱۵ اعلام نموده‌اند (صندوق جمعیت ملل متحد، ۱۹۹۵).

با عنایت مباحث پیشین پرسش‌های زیر در مورد آرا ابن‌سینا قابل طرح است:

۱. ابن‌سینا چه تلقی از باروری و بهداشت باروری دارد؟ نظرات وی در زمینه بهداشت باروری چه هستند؟
۲. جایگاهی که برای زن در امر باوری قائل است چیست؟ همچنین اینکه باروری در میان ویژگی‌های زن چه جایگاهی دارد؟
۳. دیدگاه وی در مورد ازدواج با توجه به نقشی که در باروری دارد چیست؟
۴. دیدگاه وی در مورد طلاق با توجه به نقشی که در باروری دارد چیست؟
۵. چه جایگاهی برای زن و مرد در امر طلاق قائل است؟

روش تحقیق

روش به‌کار گرفته‌شده در این پژوهش، روش اسنادی^۱ است. محقق در این مطالعه به دو دسته آثار و اسناد مراجعه می‌کند؛ نخست آثاری که بخشی از اطلاعات دسته اول محسوب شده و توسط خود متفکر مسلمان (ابن سینا) به نگارش درآمده و از سوی دیگر از کتب، مقالات و اسنادی که محققان و پژوهشگران متخصص در این حوزه در باب ابن سینا به چاپ رسانده‌اند که این آثار جزئی از آثار دسته دوم به حساب می‌آیند.

یافته‌های پژوهش

ابن سینا در کتاب *قانون*، اندیشه‌هایی را بیان می‌دارد که به موضوع محوری این مقاله (باروری و پدیده‌های جمعیتی - اجتماعی مرتبط بدان) راجع است. در قرن چهارم (ه.ق)، که غرب در قرون وسطی به‌سر می‌برد و ممنوعیت‌های فراوانی برای اندیشه‌ورزی ایجاد می‌نمود، ابن سینا و امثال وی در سرزمین اسلامی امکان اندیشه‌ورزی و بالندگی یافتند. ابن سینا، در نگارش کتاب *قانون خویش* «... به‌عنوان یک پژوهشگر تجربی از روش استقرا و مشاهده عینی استفاده نموده» (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۳۷-۴۰) و از ساختاری واحد و نظام‌مند بهره‌گرفته است. براساس نتایج تحقیق، اندیشه‌های ابن سینا موارد ذیل را دربر می‌گیرد:

زنان: زاینده‌گی، یکی از مشخصه‌های خوب زنان

در پاسخ به این پرسش که ابن سینا چه جایگاهی برای زن در امر باروری قائل است، باید گفت وی به زنان توجه نموده و به‌نوعی آنان را همچون خدمتکار مرد می‌نگرد، البته نه بر پایه صرف خدمتگزاران خانه چراکه به تأکید از حرمت نهادن مرد به زن^۲ و همچنین از رفتار با اخلاص مرد با وی سخن می‌گوید. اگرچه بسیاری از متفکران مسلمان در رویکردی که به زن داشته‌اند تحت تأثیر متفکران یونانی، به‌خصوص ارسطو، قرار داشتند، لکن نقش زن را در بسیاری از امور خانواده مهم می‌دانستند. به همین سبب است که ابن سینا برای زن اوصافی قائل است که یکی از آنان زایایی است. این اوصاف به‌ترتیب به قرار زیرند:

1. Documentary Method

۲. ابن سینا تکریم زن را نیز به سه طریق می‌داند: ۱. حفظ و حراست زن به نیکویی ۲. سرگرم کردن زن به عملی مهم تا نیرو و همتش را تنها بر آرایش و زینت‌بخشیدن به خود قرار ندهد و در نتیجه شأن و کرامت خود را نزد شوهر کوچک نکند و به تبع آن خود را حقیر نپندارد؛ زیرا شرایطی که زن احساس حقارت کند، توجه و محبت نیز او را خشنود نکرده و بلکه موجب خشم او نیز خواهد شد (ابوعلی سینا، ۱۳۶۶: ۸۸).

۱. خردمندی ۲. دین‌داری ۳. شرم و حیا ۴. زیرکی و هوشیاری ۵. مهربانی ۶. زایایی
 ۷. کوتاه‌زبانی ۸. فرمانبرداری ۹. پاک‌دامنی ۱۰. امین و جانشین مرد در صورت نبود وی
 ۱۱. سنگین و باوقار بودن ۱۲. باهویت ۱۳. فروتن و نه متکبر در برابر خدمتی که به مرد می‌کند
 ۱۴. اندیشه و تدبیری نیکو در عمل و رفتار ۱۵. صرفه‌جو در مال شوهر تا موجب فزونی آن
 گردد ۱۶. دارنده‌گفتار و رفتاری نیک تا اندوه و خستگی شوهر را رفع و با مدارا و لطف وی را
 تلطیف نماید (ابوعلی سینا، ۱۳۶۶: ۷۶).

همان‌گونه که در کلام ابن‌سینا مشهود است وی به ویژگی «زایایی» زنان اشاره داشته و آن را
 از صفات نیکویی برمی‌شمارد که زنان شایسته بدان مزین می‌شوند.

ازدواج و ضرورت تشکیل خانواده

پدیده ازدواج و درعین‌حال پدیده طلاق به این دلیل در مطالعات و نظریات جمعیتی موردتوجه
 قرار می‌گیرد که در «ارتباط مستقیم» (فروتن، ۱۳۷۹: ۴۸) با پدیده باروری است. علی‌ای‌حال،
 تحقق باروری مشروع منوط به ازدواج یا تغییر وضعیت زناشویی از حالت ازدواج‌نکرده به
 حالت ازدواج‌کرده (ازدواج بار اول)^۱ (Shryock and Siegel 1971: 76) است. به‌عبارتی، ازدواج
 و زناشویی زمینه‌ساز و مساعد و مطلوبی را برای تحقق عینی و عملی باروری فراهم می‌آورد.

پدیده فوق و اهداف آن ازجمله موضوعاتی است که ابن‌سینا در کتاب *تدبیر منزل* و شفا
 توجه خود را بدان مبذول داشته‌است. وی بر این باور است که آدمیان در هر مرتبه‌ای که باشند
 به تهیه غذا و ذخیره‌سازی میزانی از آن برای آینده‌ای که به آن احتیاج می‌افتد، نیازمندند. اندیشه
 فردا همچنین آدمی را نیازمند به مکانی برای استتار و حفظ آذوقه می‌سازد. از همین‌جا ضرورت
 وجود خانه و سرپناه رخ می‌نماید. درعین‌حال مردی که وظیفه فراهم‌آوری آذوقه و محل
 نگهداری آن را دارد، به فردی نیازمند است تا آنچه را که فراهم آورده به او بسپرد تا از دستبرد
 دیگران در امانش دارد. چنین فردی نمی‌تواند شخصی شایسته‌تر از همسری باشد که خداوند او
 را جفت و امانت‌دار مرد قرار داده؛ بنابراین این زن است که جانشین و نگهدارنده مرد در
 اندوخته‌هایش خواهد بود. بی‌چنین تدبیری آدمی به زندگی حیوانی دچار شده و آذوقه‌اش پس
 از مدتی رو به کاهش نهاده و سرانجام به اتمام می‌رسد (نجمی زنجانی، ۱۳۱۹: ۱۲-۱۰).
 همان‌طور که اشارات آن رفت، شیخ‌الرئیس در رساله *تدبیر منزل*، مقصود اصلی ازدواج را

مصلحت اقتصادی آن برمی‌شمارد؛ یعنی ضرورت وجود زن را در اندوختن و حراست از اموال مرد می‌داند.

اما ابن سینا در کتاب *شفا*، هدف متفاوتی را برای ازدواج معرفی کرده است. به طوری که نحوه شروع بحثش نیز وجود چنین تفاوتی را به ذهن متبادر می‌کند. بدین صورت که وی در یک سیستم علت و معلولی، «سراغاز تکوین ما [جنین را] از دو ماده اصلی یکی منی مرد ... و دیگری منی زن و خون حیض اوست که نیابت ماده با اوست» (ابوعلی سینا، ۱۳۶۴: ۳۴۶) دانسته و نیاز جنسی را به عنوان یک نیاز طبیعی و «اساس هستی» (ابوعلی سینا، ۱۳۶۴: ۳۴۶) ذکر می‌کند. وی ازدواج را تنها راه مجاز جهت برآورده‌سازی این نیاز طبیعی برمی‌شمارد. هدف از ازدواج و زناشویی در این سیستم تولیدمثل و بقا نوع آدمی است (نقدی، ۱۳۸۶: ۱۶). به گفته ستوده (۱۳۸۵: ۴۷)، مسئله تولیدمثل و تداوم انسانی از نظر ابن سینا، چنان است که گاه به عنوان «اساس ازدواج» تلقی می‌شود.

از نظر ابن سینا، بر ازدواج نیز مانند سایر عرصه‌های اجتماعی اصولی حاکم است. از جمله اینکه وی بر لزوم دعوت مردم بر چنین ازدواجی تأکید فراوان دارد و آن را دلیل بر بقا نوع و بقا نوع را دلیل بر وجود خداوند می‌داند و فواید این عمل را چنین برمی‌شمارد (نجمی زنجانی، ۱۳۱۹: ۶۹-۶۶).

علاوه بر علنی برگزار شدن مراسم ازدواج جهت آشکارشدگی نسبت‌های خانوادگی، مناسب بودن سن فرد از نظر رشد جسمانی و عقلی برای ازدواج جهت اداره امور خانواده؛ جدایی‌گزینی از والدین با اتکا به شغل و درآمد خود، توانایی فرزندآوری زن و ... (ستوده، ۱۳۸۲: ۷۱) را نیز به عنوان اصول حاکم بر ازدواج مدنظر قرار می‌دهد. به عبارتی وی بعد اجتماعی (نه فردی) و جمعیتی ازدواج را برجسته می‌نماید؛ چراکه پیامد ازدواج و پیوند شرعی و عرفی میان دو جنس مخالف به دنیا آوردن فرزندان مشروع است که در نهایت به افزایش میزان باروری و رشد جمعیت می‌انجامد.

نیاز افراد بشری به یکدیگر از یک سو باعث وقوع ازدواج و از سوی دیگر اجتماع و تمدن بشری را ممکن می‌سازد. وی زندگی گروه‌های پراکنده انسانی را دور از شباهت به زندگی انسانی معرفی می‌کند (ابوعلی سینا، ۱۳۷۹: ۷۰۹). به عبارتی تا ازدواج صوت‌نگیر زنجیره‌های پیوسته و وابسته به آن یعنی افزایش جمعیت، تقسیم‌کار و مشارکت، تعاون معاوضه و معادله و در نهایت تمدن شکل نمی‌گیرد.

طلاق و گسست خانواده

تمایل جمعیت‌شناسان به مطالعه طلاق، به جهت ارتباط آن با پارامتر باروری و زادوولد است که البته برعکس ازدواج، طلاق سبب فروپاشی زمینه‌های مناسب تحقق باروری مشروع می‌گردد. بدین ترتیب، علی‌القاعده بین این دو مقوله ارتباط معکوس وجود دارد: هرچه میزان طلاق افزایش یابد، زمینه برای کاهش زادوولد فراهم می‌آید و برعکس.

باید گفت ابن‌سینا نیز به پدیده فوق توجه داشته است. هرچند که وی بر وجوب ازدواج بر پایه‌ای محکم و استوار تأکیدی فراوان دارد. به‌زعم وی، ازدواجی را می‌توان موفق دانست که به دلایلی که ثمره بی‌خردی گاه و بیگاه زن و مرد است به طلاق راه نیابد و منجر به ازهم‌گسیختگی خانواده نشود. در غیر این صورت، زن و مرد نیازمند ازدواج دوباره‌ای خواهند شد و این روند ادامه یافته، درحالی‌که ره به جایی نخواهند برد. مهر و محبت میان زن‌وشوهر نیز چیزی است که در اثر گذشت زمان و آمیزش پدید می‌آید. ازاین‌رو، زن و مرد باید مراقب آن باشند تا به‌راحتی زمینه جدایی را فراهم نیاورند (نجمی زنجانی، ۱۳۱۹: ۷۴).

وی همچنین اختیار طلاق و جدایی را نزد مرد دانسته و وی را در تشخیص وقوع آن شایسته‌تر می‌داند؛ چه، وی به پیروی از آموزه‌های ارسطویی، زن را موجودی سست خرد می‌داند که از خشم و هوس خویش پیروی می‌کند. به همین دلیل روا نیست که درصدد تصرف مرد برآید و او را مالک شود و یا به‌راحتی امکان جدایی از وی را یابد؛ همچنان که پیشه‌ور بودن او امری پسندیده نیست (نجمی زنجانی، ۱۳۱۹: ۷۵-۷۱). به نظر ابن‌سینا واگذاری طلاق به دست مرد در فرضی است که مرد خردمند باشد و چنانچه مرد نیز سست عقل باشد، بایستی طلاق به «حکام» سپرده شود (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۴۳۰).

البته وی معتقد نیست که امکان طلاق به‌کلی منتفی باشد و درعین حال راه طلاق را گشاده و بر مسدود بودن امکان آن معایبی این‌چنین برمی‌شمرد:

۱. گاه اختلاف میان زن‌وشوهر رفع نمی‌شود و سازگاری میان آنها برقرار نمی‌گردد و بالعکس تلاششان نیز بر زیان و آزارشان می‌افزاید. ابن‌سینا دلیل این امر را در دلیلی که در طبایع وجود دارد، بازمی‌جوید و می‌گوید بعضی از طبایع را با طبایع دیگر سازگاری نیست. در چنین شرایطی چاره را باید در جدایی و طلاق جست.

۲. زنی که رفتار پسندیده‌ای با شوهر خویش ندارد و یار و همراه او نیست و نیز در داشتن فرزند موافقتی با او ندارد، می‌تواند مرد را به مسیری کشاند که پاسخ نیاز خویش را در وجود زن دیگری بجوید (نجمی زنجانی، ۱۳۱۹: ۸۶-۷۷).

لازم به ذکر است که هرچند شیخ‌الرئیس با مسدود بودن راه طلاق مخالف است ولی بر تحقق سخت و دشوار آن نیز اصرار دارد (نجمی زنجانی، ۱۳۱۹: ۹۰). در همین راستا، زن را شایسته اختیار بر چنین تصمیمی نمی‌داند و در شرایط خاص قضاوت را سزاوار و مسئول تشخیص تحقق خواسته زن در مورد طلاق می‌داند.

بهداشت باروری

ابن سینا پس از بیان اساس هستی^۱، به صورت مجزا نیز در باب تولد سخن به میان آورده و ابعاد مختلف این پدیده جمعیتی را مورد تشریح قرار می‌دهد که یکی از این ابعاد، بعد بهداشتی است. وی در مورد آلات تناسلی زن و مرد به صورت مجزا و آوندهای آن بحث می‌کند و بیماری‌ها و یا دردهایی که ممکن است به آن دچار شوند را مطرح و سپس راه‌های درمان آن را نیز ذکر می‌کند (ابوعلی سینا، ۱۳۸۹: ۲۷۶-۲۱۸).

با توجه به علت پیدایش جنین را از نگاه ابن سینا که به نوعی با نظرات دیگر اندیشمندان کلاسیک و معاصر شباهت دارد؛ باید پرسید کی و در چه وقتی جنین تکوین می‌یابد؟ کی به دنیا می‌آید؟ و در چه ماه‌هایی احتمال مرگ آنها بالاست؟ در واقع این همان سؤالی است که ابن سینا نیز در کتابش مطرح و به آن پاسخ داده و می‌نویسد:

«ماه هفتم اولین ماهی است که جنین سرحال و نیرومند و خوب مزاج و بی‌عیب و خلل به سرعت تکوین یافته و به سرعت حرکت کرده و در بیرون آمدن نیز سرعت به خرج داده است. جنین‌هایی که در هفت‌ماهه می‌میرند، در سرشت ناتوان‌اند و به حرکات شدید درآمده‌اند. جنین هفت‌ماهه هرچند در اصل توانا تکوین یافته باشد، باید این را در نظر داشت که بقای این دسته زیاد نیست و در قیاس با نه‌ماهه و ده‌ماهه بسیار کم است» (ابوعلی سینا، ۱۳۸۹: ۳۱۵). وی در ادامه می‌گوید:

۱. «سرآغاز تکوین ما را دو ماده اصلی است که یکی منی مرد است که اگر درست‌تر بگوئیم کارگزار آفریدگار است و دیگری منی زن و خون حیض اوست که نیابت ماده با اوست. این دو گوهر، در روانی و تری همکار و دم‌سازند و بعداً هریک کار ویژه خود را دارند» (ابوعلی سینا، ۱۳۶۴: ۲۴۷-۲۴۶).

«اما بچه‌هایی که هشت‌ماهه به دنیا می‌آیند، از هر بچه دیگری که هشت‌ماهه نیست بیشتر با مرگ روبرو می‌شوند و حتی اگر در میان بچه‌های هشت‌ماهه یکی زنده ماند و نمرد باید آن را نادره دوران شمرد؛ که بسیار کم چنین اتفاقی روی می‌دهد و در بعضی از مناطق آباد سرزمین اصلاً رخ نمی‌دهد که جنین هشت‌ماهه زنده بماند» (ابوعلی سینا، ۱۳۸۹: ۳۱۵). ابوعلی سینا می‌پرسد: چرا هشت‌ماهگی برای جنین بدشانس نماینده عزرائیل شده است؟ و در پاسخ می‌گوید: «زیرا حال از چند فقره خارج نیست:

۱. اول خوب بار نیامده، دیر به حرکت افتاده و دیرتر از زمان لازم هوای سفر خارج به سرش افتاده است. همین دیر کردن از سفر به خارج معلوم می‌کند که از اول ناتوان بوده و ناتوان در زهدان زیسته و ناتوان سر برآورده است؛

۲. اولین بار آمدن و جنین در زهدان و آرزوی رها شدن از زندان زهدان، قبل از هشت‌ماهه کامل و بی‌خلل بوده است و همین که قصد سفر داشته و بدین منظور حرکت کرده، در همان مرحله اول وارونه شده است و از این حادثه‌ی غیرمترقبه، توان خود را ازدست داده و به کام خود نرسیده و جامانده است و همچنان در حال از جا برگشتگی باقی مانده است و امیدوار بوده که باز نیرو بیابد. همین که احساس کرده که باز نیرو یافته است، رو به سوی خارج پریده اما خبر از واژگون شدن نداشته و در نتیجه همان حالت خستگی و ناتوانی بر او چیره آمده است؛ مانند کسی که بخواهد از جایی که در آن حبس است بگریزد اما راه گریز را نداند، در این کوشش بیهوده تاب و توان را ازدست داده است و نیرویی که داشته تحلیل رفته. اگر در این حالت آرام آرام هم راه سرزمین را در پیش گیرد، حکمش همان حکم جنین در خلقت ناتوان را دارد و حتماً می‌میرد.

پس چرا جنین نه‌ماهه که یک ماه از هشت‌ماهه دیرتر به منزل دنیایی رسیده، ککش نمی‌گردد؟ سؤالی است بجا.

زیرا چنین می‌نماید که جنینی بوده عاقل‌تر و کاردان‌تر از آنکه هشت‌ماهه بود. از همان اولین روزها خوب بار آمده، سروقت طبیعی در شکم مادر شروع به جنین‌داری کرده و همین که دیده است که خلقت کامل یافته به اصطلاح باید سر پای خود بایستد... وقتی مرز را به دقت پاییده و این همه موانع را سر راه دیده و نیروی خود را سنجیده است، معلوم شده که نمی‌تواند به این آسانی از این موانع بپرد و از مرز عبور کند. باید نیروی بیشتری بیابد تا بتواند مشکلات را از سر راه بردارد. در نتیجه سفر خیرش را دو ماه به تأخیر انداخته تا کاملاً نیرومند شده ... و بسیار آسان

و سرحال سفر را تمام کرده و مشتاقان دیدارش را شاد کرده‌است...؛ اما آن جنینی که ده‌ماهه به دنیا می‌آید تقریباً حالش در ناتوانی از رویدادهایی که سرش آمده، حال جنین هشت‌ماهه است» (ابوعلی سینا، ۱۳۸۹: ۳۱۶-۳۱۵).

علاوه بر موارد مربوط به چگونگی شکل‌گیری جنین و به دنیا آمدن بچه که اشارات آن رفت، در برخی از کتب ابن سینا خصوصاً *قانون*، اصطلاحات جمعیتی مانند باروری، ناباروری (نازایی)، تعیین جنسیت و سقط جنین، زن زاینده و زن عقیم، شیر مادر، فاصله بین موالید، تنظیم خانواده، روش‌های پیشگیری از حاملگی و ... وجود دارد، به طوری که می‌توان بسیاری از این تعاریف را با علم نوین جمعیت‌شناسی مطابق دانست.

امینی قسمت‌هایی از کتاب *قانون* را، که به بحث درباره باروری می‌پردازد، این‌گونه نام می‌برد: گفتار اول از فن بیست و یکم درباره باردارشدن در هشت فصل، گفتار دوم از فصل بیست و یکم، درباره بارداری و زادن در دوازده فصل و فن بیست و یکم از بخش سوم کتاب سوم، در باب چگونگی ابزارهای بچه‌آوری در چهار گفتار است (امینی، ۱۳۸۸: ۲۹). با رجوع محقق به کتاب *قانون* باید گفت این فصول مورد تأیید است.

وی به دلیل اهمیتی که به فرزندآوری می‌دهد، از نازایی نیز سخن می‌گوید. وی علل نازایی (ناباروری) را «یا از طرف زن و یا از طرف مرد و یا هر دو می‌داند». ابوعلی سینا، سبب نازا بودن زن را چند عمل می‌داند:

۱. «اشکال در تخم نرینه یا در تخم مادینه است ۲. سبب در ابزار کار جماع مرد یا زن است ۳. منشأ سبب، واکنش‌های روانی است؛ از قبیل غم خوردن زیاد، ترس زیاد، شوکه شدن و بیمناک گشتن ۴. سردرد ۵. پرشدگی بی‌رویه معده از خوراک و هضم نشدن غذا و ۶. ممکن است در عمل جماع اشتباهاتی رخ دهد» (ابوعلی سینا، ۱۳۸۹: ۲۹۶)؛ و روش‌هایی را برای درمان تجویز می‌کند که کاربرد اصلی آن در علم پزشکی است.

گروه‌هایی که آب منی آنها بی‌بهره بوده و در نتیجه آن فرزند به دنیا نمی‌آید را نیز معرفی می‌کند و می‌گوید:

«آب پشت (آب منی) مستان، آب پشت پیران سالخورده و آب پشت کسانی که در جماع زیاد روی می‌کنند، بچه به دنیا نمی‌آورد. کسی که اندامان ابزار جماعش درد و آزار یا خللی داشته باشند، کمتر رخ می‌دهد که بچه سالم و تندرست به دنیا آورد. گویند کسی را که ذکرش بسیار دراز (درازتر از حد معمولی) باشد، مسافت راهی که آب پشت طی می‌کند دورتر می‌شود

و در این مسافت زیاد سرد می‌شود و از حرارت طبیعی‌اش می‌کاهد و تا به زهدان درمی‌آید، بیشتر بهره‌رسانی‌اش را از دست داده‌است، از این رو اکثراً جماع این دسته مثمر ثمر نمی‌شود و بچه نمی‌آورند» (ابوعلی سینا، ۱۳۸۹: ۲۲۸). وی در جای دیگر نیز مکرراً این مبحث را مطرح نموده و می‌نویسد:

«مردی که با دختر هنوز بالغ نشده جماع کند، تخمش باردار نمی‌شود و به تباهی می‌کشد. همچنین که بدن ناسالم دارد؛ زیرا آب پشت از همه اندامان بدن می‌چکد. چنان‌که بقراط می‌فرماید: تخمه تندرستان درست است و تخمه‌ی بیماران بیمار است» (ابوعلی سینا، ۱۳۸۹: ۲۹۷). همچنین ابن‌سینا توصیه‌هایی در مورد اینکه با چه کسانی نباید جماع کرد نیز سخن می‌گوید و می‌نویسد:

«نباید با زنی که در حال حیض است جماع کنند، جماع با پیرزن هم خوب نیست، با زن بیمار درآمیختن نیز ناپسند بوده و به زیان مرد است، نباید با زنی که هنوز به حد رشد نرسیده‌است جماع کنند، باید از هم‌بستر شدن با زنی که مدت‌ها جماع نداشته دوری جویند. جماع با دختر باکره (دوشیزه) نیز همانند همه حالات ذکر شده، نیروی اندامان وابسته به منی را کاهش می‌دهد» (ابوعلی سینا، ۱۳۸۹: ۲۳۴).

مباحثی مانند نزدیکی نکردن در هنگام عادت ماهانه زن از جمله مباحثی است که امروزه بیشتر در تنظیم خانواده برای زوجین جوان تشریح می‌شود. به نظر محقق، می‌توان از این جمله که «نباید با زنی که هنوز به حد رشد نرسیده‌است جماع کنند» استنباط نمود که وی ازدواج در سنین زیر سن بلوغ را توصیه نمی‌کند. بلوغ جسمی و جنسی جزء شروط اولیه ازدواج محسوب می‌گردد.

همچنین در این فصول از روش‌ها و داروهایی مختلفی مانند داروهای ترکیبی، قطره‌ای و مالیدنی، غذاهای مناسب و... سخن می‌گوید که باعث تقویت قوای جنسی می‌گردند که در علم امروز نیز از جمله مسائل مطروحه در تنظیم خانواده می‌باشند.

ابن‌سینا در فصلی با عنوان زیان اجتماعی ناشی از شرم طیب، بیان می‌دارد که:

«طیبیان معالج بیماران شرم دارند که درباره بزرگ شدن ذکر مردان یا تنگ شدن فرج زنان و لذت بردن زنان از جماع، شرحی بدهند و این مسائل را بیان کنند اما نمی‌دانند که در این پرده-پوشی چه زیان‌هایی به مردم می‌رسانند. نمی‌دانند که این مسائل با تولید نسل ارتباط مستقیم

دارد» (ابوعلی سینا، ۱۳۸۹: ۲۶۰). لذا یکی از این زیان‌ها همان عدم وقوع باروری است. وی در ادامه می‌نویسد:

«... بسیار اتفاق افتد که ذکر مرد کوچک یا کوتاه است و چون این کوچکی از حد طبیعی کمتر است برای زن هیچ لذتی دربرندارد، زن آب پشتش نمی‌ریزد و اگر آب پشت زن بر نجوشتد و با آب پشت مرد مخلوط نشود، تکوین جنین صورت‌پذیر نیست. شاید همین کوتاهی و کوچکی ذکر موجب شود که زن از شوهرش نفرت پیدا کند و پی مرد دیگری بگردد؛ و از آن سوی اگر فرج زن تنگ نباشد، مرد را خوش نیاید از اثر نفرت مرد، زن نیز دلگیر می‌شود و با شوهر نمی‌سازد آن‌وقت مرد و هم زن می‌خواهند جفت خود را عوض کنند» (ابوعلی سینا، ۱۳۸۹: ۲۶۰).

ابن سینا در این فصل به صورت واضحی از اهمیت برطرف‌شدن نیاز جنسی هر دو جنس سخن می‌گوید، چه اگر این نیاز برطرف نگردد علاوه بر عدم وقوع باروری، احتمال طلاق و جدایی نیز رخ می‌دهد.

علت اهمیت دادن ابن سینا به مباحث مربوط به نیازهای غریزی زن و مرد، همان اهمیت فرزندآوری و به دنیا آوردن بچه است. وی ضرورت وجود فرزند را از آن جهت دانسته که آدمی به سبب کهولت دچار سستی می‌شود و توانایی رسیدگی به امورش را از دست می‌دهد. از این رو به فرزندان شایسته نیاز خواهد داشت تا او را یاری داده و پس از مرگ نیز نام و یاد او را زنده نگه دارند (نجمی زنجانی، ۱۳۱۹: ۱۵).

چنین گفته‌ای از سوی ابن سینا، ذهن محقق را به سوی نظریه اقتصادی کالدول رهنمون می‌سازد؛ چراکه در این نظریه توضیح داده شده که در زمان‌های گذشته انتقال ثروت بین نسلی از فرزندان به سوی والدین بوده ولی در دوران کنونی مسیر انتقال ثروت بین نسلی تغییر کرده و به صورت بالعکس درآمده است. از آنجا که باروری نمی‌تواند تنها از طریق شرایط اقتصادی تبیین شود، ارزیابی ارزش‌ها و منافع غیراقتصادی فرزندان اهمیت دارد. ارزش فرزندان می‌تواند به عنوان مجموعه چیزهای خوبی که والدین با داشتن فرزندان دریافت می‌کنند تعریف شود (Epenshade, 1977: 4). هافمن^۱ و هافمن (1973: 46-61) با اتکا به مشاهدات برگرفته از مطالعات مردم‌شناختی و بررسی‌هایی که از نگرش‌های والدین نسبت به فرزندان پرس‌وجو

می‌کنند، یک سیستم ارزشی مشکل از نه مقوله را به‌وجود آورده‌اند: هشت ارزش غیراقتصادی (نظیر کمال، جاودانگی، خوشحالی، خلاقیت و...) و یک سودمندی^۱ صرفاً اقتصادی. بدین ترتیب می‌توان اذعان داشت ابن‌سینا تنها به ارزش فرزندان از بعد ارزش‌های عمومی مثبت نگریسته و به منافع اقتصادی و منفعت پیوستگی و تداوم خانواده و اصل و نصب اشاره داشته‌است.

علاوه بر بحث ارزش فرزندان، ابن‌سینا در گفتار دوم از فن بیست‌ویکم، از مواردی که طیب خود را ناگزیر می‌بیند که نگذارد زن باردار شود و دستور به منع بارداری بدهد؛ سخن می‌گوید که شامل حالات ذیل می‌شوند:

۱. دختری کم سن و سال است که شوهر کرده، اگر باردار شود ممکن است سر زان بمیرد.
۲. زنی که زهدانش به‌نوعی بیماری نامناسب گرفتار است و سزاوار باردارشدن نیست.
۳. زنی که مثانه‌اش ناتوان است، هرگاه جنین در شکمش سنگین شد، ممکن است مثانه از این سنگینی ترک برود و در نتیجه به سلس البولی مبتلا شود که تا آخر عمر شفا نمی‌یابد (ابوعلی سینا، ۱۳۸۹: ۳۳۵).

در کنار تمام نکات ذکر شده، یکی از مهم‌ترین اندیشه‌هایی که جزئی از آرا پزشکی ابوعلی سینا می‌توان دسته‌بندی نمود و به‌صورت مستقیم و بدون واسطه به جمعیت و متغیرهای آن به‌ویژه متغیر باروری مرتبط است، معرفی روش‌های پیشگیری از حاملگی است. به‌طور کلی کمتر کتابی از آثار پزشکی اسلامی را می‌توان سراغ گرفت که در آن درباره شیوه‌های جلوگیری از آبستنی سخن به میان نیآورده باشد. کتاب *قانون ابوعلی سینا* از جمله مهم‌ترین و مشهورترین آنهاست که در آن حداقل ۲۰ دستورالعمل یا روش برای جلوگیری (کتابی، ۱۳۸۷: ۵۱). ذکر شده‌است که نمونه‌هایی از آنها عبارتند از:

- الف. هنگام جماع بچه نمونه‌ای را به فکر و پیش چشم نیارود و خیال و تصور نکند.
- ب. مرد کاری کند که هر دو باهم تخم‌ریزی کنند و زود از زن جدا شود و زن را وادار کند که فوراً بعد از جماع از جا برخیزد و رو به عقب هفت یا نه گام برجهد؛ که در این جهیدن ممکن است نطفه جمع شده بیرون ریزد؛ اما اگر به جلو برجهد ممکن است آن در مقر خود آرام گیرد.

ج. محتمل است اگر زن فوراً بعد از جماع عطسه کند، منی مرد از زهدان بیرون ریزد.

د. اگر زن قبل از جماع و بعد از آن، فرزجه از قطران بردارد یا ذکر مرد قبل از جماع با قطران آلوده شود، زن باردار نشود.

ه. روغن بلسان را بر ذکر و دهانه زهدان مالیدن نیز در منع بارداری تأثیربخش است.

و. سفید آب را قبل از جماع بردارند منع بارداری می‌کند.

ز. اگر قبل از جماع و بعد از آن فرزجه از پیه انار و زاج بلوری بردارند، باردار نمی‌شوند.

ح. روزی که از حیض پاک می‌شوند و قبل و بعد از جماع، اگر شکوفه کلم و بذر کلم را فرزجه کنند و بردارند مانع باردارشدن می‌شود و اگر فرزجه ساخته از شکوفه کلم و بذر کلم را در قطران بیالیند یا در افشیره پونه فرو کنند و بردارند، در منع باردارشدن تأثیربخش تر است.

ط. اگر بعد از پاک شدن از حیض، برگ درخت ترنگوت در پشم پیچند و بردارند مانع بارداری است و به‌ویژه اگر فرزجه ساخته از برگ ترنگوت و پشم را در آب برگ ترنگوت فرو کنند (ابوعلی سینا، ۱۳۸۹: ۳۳۶).

نکات فوق از جمله روش‌های جلوگیری از بارداری محسوب می‌شوند که ابن‌سینا به‌صورت مستقیم آن‌ها را تشریح می‌کند. علاوه‌براین وی در فصل دوم از فن سوم، درباره فواید شیر مادر صحبت می‌کند و شیر مادر را بهترین غذای کودک دانسته و می‌نویسد:

«شیر مادر برای نوزاد از هر شیر دیگری بهتر است زیرا بیشتر از هر غذای دیگر، به گوهر غذایی نوزاد که در زندگی جنینی به او می‌رسد شباهت دارد. منظورم خون حیض مادر است که بعداً به‌صورت شیر مادر درآمده است و نوزاد با آن بیشتر مأنوس است و آن را با اشتهاى بیشتر می‌خورد. حتی به تجربه ثابت شده‌است که در دهن گرفتن نوک پستان مادر در دفع آزار شیرخوار بسیار سودمند است» (ابوعلی سینا، ۱۳۶۴: ۳۵۱).

این موارد نشان‌دهنده اهمیت شیر مادر از نظر تغذیه و رشد نوزاد و نیز تأمین سلامتی مادر است، چنان‌که ملاحظه می‌شود توصیه‌های ابن‌سینا درباره استفاده از شیر مادر برای تغذیه نوزاد با نظریات متخصصان کودک در عصر حاضر کاملاً مطابقت دارد. مسئله تغذیه با شیر مادر، از نظر بررسی‌های جمعیتی از آن جهت دارای اهمیت است که: شیر مادر موجب مصونیت وی از حاملگی می‌شود (کتابی، ۱۳۸۴: ۱۳۷)؛ زیرا مادری که مصمم به شیر دادن فرزند خود است، طبعاً با توسل به شیوه جلوگیری از بارداری، از حاملگی مجدد خود پیشگیری خواهد کرد، چراکه حامله شدن به هر صورت موجب قطع شیر یا لااقل کاهش آن خواهد شد؛ بنابراین می-

توان گفت که شیردهی از جمله راه‌های پیشگیری از بارداری و «فاصله‌گذاری بین موالید» (Rosa, 1976) است. در علم جمعیت‌شناسی امروز، که روش‌های دیگر جلوگیری از بارداری و فاصله‌گذاری بین موالید شناخته شده‌است، گفته می‌شود اگرچه تغذیه با شیر مادر می‌تواند فاصله‌گذاری بین موالید در جمعیت را انجام دهد، شکل خطرناکی از تنظیم خانواده برای زنان به‌طور فردی خواهد بود. به‌نظر راتستین (۱۹۹۱) تغذیه طولانی با شیر مادر به‌تنهایی نمی‌تواند باروری بالا را کاهش دهد، اما در گسترش بهداشت و رفاه فرزندان اهمیت دارد که می‌توان گفت افزایش سطح بهداشت هدف ابن‌سینا در تمام بیان تمام نکات بهداشتی بوده‌است.

یکی از مراحل مهم فرزندآوری بحث زایمان است که در پی آن ما کودک زنده متولد شده از مادر را در میزان باروری محاسبه می‌کنیم و نه جنینی که هنوز در رحم مادر نفس می‌کشد. لذا بحث زایمان از اهمیت وافری برخوردار است. گاهی پیش می‌آید که در طی مراحل زایمان، جان مادر و جنین به خطر می‌افتد و امکان تولد به صفر می‌رسد. ابن‌سینا به این مسئله یعنی مرگ‌ومیر مادر و جنین (مرگ جنینی)^۱ در هنگام زایمان توجه داشته و درصدد بیان علت‌های آن برآمده است. وی می‌نویسد:

«اگر دختری که هنوز به سن پانزده‌سالگی نرسیده‌است باردار شود، بیم مرگش می‌رود و ممکن است جان بسپارد؛ زیرا زهدانش کوچک‌تر از آن است که جنین در آن آسایش لازم و طبیعی را بیابد. اگر زن -هرچند بزرگ و میان‌سال باشد- در اوایل بارداری اگر به تب سخت مبتلا شود، سوء مزاجش بر جنین اثر می‌گذارد و جنین که ناتوان است و نیروی مقاومت ندارد، می‌میرد. اضافه بر آن اگر مادر تب سخت داشته‌باشد غذای جنین فاسد می‌شود. باز در اینجا دو حالت هست که به زیان جنین است:

«اگر مادر مبتلا به تب سخت در این حالت غذا به جنین نرساند جنین از بی‌غذایی ناتوان می‌شود و اگر در این حالت غذا به جنین داد، خودش ناتوان می‌شود و غذایش نیز توانی به جنین نمی‌دهد. اگر زهدان زن باردار در حالت بارداری به ورم گرم مبتلا شود و اگر ورم گرم التهابی باشد و ورم گرم‌خونی نباشد، امید می‌رود که مادر و جنین را از مرگ رهایی داد؛ اما اگر ورم گرم‌خونی در زهدان برآید، مسئله بغرنج است و امید رهایی از مرگ کم می‌شود» (ابن‌سینا، ۱۳۸۹: ۳۰۸).

یا در جای دیگر، در باب انداختن جنین، سخن به میان می‌آورد که چندین سبب احتمالی دارد:

۱. حرکات طاقت‌فرسا از قبیل ضربت خوردن شدید، بر زمین افتادن، انجام ورزش بسیار خسته‌کننده، پرش شدید و به‌ویژه عقب پریدن.
۲. واکنش‌های روانی مانند خشم بیش‌ازحد، ترس زیاد، غم و اندوه بسیار.
۳. هوای بسیار گرم و هوای بسیار سرد. از این رو گوییم نباید زن باردار آن‌قدر در حمام گرم بماند که پوست بدنش چروک شود؛ زیرا اولاً حمام گرم سبب لغزش جنین می‌شود و ثانیاً جنین به هوای سرد برای تنفس نیازمند است و در حمام گرم از این هوای سازگار محروم می‌گردد.
۴. ممکن است از اثر جمع‌آمدن و برهم متراکم‌شدن غذا در معدهٔ مادر، غذای جنین فاسد گردد و یا راه غذا به سوی جنین بسته شود.
۵. جماع زیاد و به‌ویژه بعد از روز هفتم بارداری خطر زیادی دارد.
۶. به حد زیادی آب‌تنی کردن و تن شستن، زهدان را سست می‌کند و جنین را لیز می‌دهد و بیرون می‌اندازد و چنان‌که اشاره کردیم حمام رفتن از دو سو زیان‌بخش است، یکی نیروی بدن را سست می‌کند و دوم جنین را از هوای ناسازگار محروم می‌سازد (ابن‌سینا، ۱۳۸۹: ۳۲۱-۳۲۰).

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های تحقیق و چهارچوب مفهومی مطرح‌شده باید گفت، ابن‌سینا به برخی از مباحث و عناصر مفهومی را در دیدگاه‌های خود مدنظر قرار داده که به پدیدهٔ باروری به‌عنوان متغیری مهم در جمعیت‌شناسی مربوط می‌شود. نخستین و مهم‌ترین مسئله بحث زنان است؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد زنان می‌توانند نوزادی را به دنیا آورند. حتی کسانی چون زنجانی (۱۳۷۸) باروری را «توانایی زادوولد در زنان» تعریف می‌کنند. مضاف‌براین، وی به اولین قدم برای وقوع باروری یعنی ازدواج نیز اشاره کرده و ضرورت آن را تشریح نموده‌است. سوی دیگر ازدواج بحث طلاق است که با گسست و ازهم‌پاشیدگی نظام خانواده امکان وقوع باروری مشروع از بین رفته و باروری قطع می‌شود. به دلیل اهمیتی که بحث فرزندآوری در نگاه ابن‌سینا

دارد او طلاق را منفور دانسته اما راه آن را بسته در نظر نمی‌گیرد. به عبارتی تحت شرایط و مقتضیات خاصی آن را توصیه نیز می‌کند.

با توجه به تخصص پزشکی که ابن‌سینا داشته انتظار می‌رفت وی به بحث باروری و نکات بهداشتی و پزشکی مربوطه آن نیز توجهی خاص مبذول دارد. باید گفت وی به‌خوبی به این انتظار پاسخ داده و مباحث مفصل و دقیقی را در این زمینه مطرح نموده‌است.

ابن‌سینا با توجه نشان دادن به مرگ جنینی در طول دوره بارداری، مرگ مادر در دوره بارداری و در هنگام زایمان و علل هریک اهمیت واقعه تکرارناپذیر مرگ و تأثیرات آن را متذکر شد. در مجموع، می‌توان گفت از آنجایی که هیچ علمی فی‌البداهه شکل نمی‌گیرد و هریک از علوم به پیش‌زمینه نظری اتصال دارند، توصیه‌ها و نوشته‌های متفکران مسلمانی چون ابن‌سینا، به‌صورت تدریجی، بستر و زمینه ظهور اندیشه تجربی جمعیت‌شناختی را، در قالب یک علم جدید، فراهم نموده‌اند. هرچند که خودشان جمعیت‌شناس به‌معنای امروزی نبوده ولی به مضامینی توجه نموده‌اند که در محور توجهات علم جمعیت‌شناسی مدرن قرار دارد.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۷۰)، *تاریخ کاملی*، ترجمه سید حسین روحانی، تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن‌حوقل (۱۳۶۶)، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابوعلی سینا، شیخ‌الرئیس (۱۳۶۴)، *قانون در طب*، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هزار)، کتاب اول، تهران: انتشارات سروش.
- ابوعلی سینا، شیخ‌الرئیس (۱۳۶۶)، *قانون در طب*، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هزار)، کتاب سوم، بخش اول، تهران: انتشارات سروش.
- اسعدی، علیرضا، حسن، معلمی (۱۳۹۱)، «فرایند استکمال نفس از دیدگاه ابن‌سینا»، *انسان‌پژوهی* دینی، سال نهم، شماره ۲۷: ۵۷-۸۰.
- اشرف، احمد و علی بنوعزیزی (۱۳۸۷) *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نشر نیلوفر.
- امینی، فرشید، (۱۳۸۸)، «قانون ابن‌سینا»، *کتاب ماه علوم و فنون*، تیرماه، شماره ۲۷: ۲۶-۴۵.
- انتظاری، اردشیر (علی) (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی علم در ایران: بررسی و ارزیابی وضع موجود و مطلوب*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- پورحسینی، حسن (۱۳۵۰)، «مسکویه حکیم شیعه مذهب ایرانی»، *مجله فلسفه-کلام و عرفان*، شماره دوازده: ۶۳-۷۲.
- دهقانی منشادی، طیبه (۱۳۷۷)، «دسته‌بندی آلات موسیقی باتوجه به رساله شفاء ابن سینا والکامی ابن زیله»، پایان‌نامه دوره کارشناسی، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.
- دورانت، ویل (۱۳۴۳)، *تاریخ تمدن*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اقبال.
- دی بور، ت.ج (۱۳۴۳)، *تاریخ فلسفه در اسلام*، ترجمه عباس شوقی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- رسولی ثانی آبادی، الهه (۱۳۹۰)، «عقل فعال در نظر ارسطو و ابن‌سینا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته فلسفه، دانشگاه تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- زنجانی، حبیب‌الله و دیگران (۱۳۷۸)، *جمعیت، توسعه و بهداشت باروری*، تهران: نشر بشر.
- سامی، علی (۱۳۶۵)، *نقش ایران در فرهنگ اسلامی*، شیراز، انتشارات نوید شیراز.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۶)، *تاریخ اندیشه‌های اجتماعی در اسلام*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات آوای نور.
- سلیمانی، فاطمه (۱۳۸۸)، «روش طبیعت‌شناسی ابن‌سینا»، *حکمت سینوی*، بهار و تابستان ۱۳، (۴۱).
- صندوق جمعیت ملل متحد (۱۹۹۵)، *خلاصه‌ای از برنامه عمل کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه*، فصل ششم، تهران: صندوق جمعیت ملل متحد.
- عباسی شوازی، محمد جلال؛ حسینی چاوشی، میمنت (۱۳۹۰)، «تحولات باروری، تنظیم خانواده و سیاست‌های جمعیتی در ایران»، *مجله معرفت در دانشگاه اسلامی*، شماره ۴۸، سال پانزدهم: ۸-۲۵.
- فروتن، یعقوب (۱۳۷۹)، «ملاحظات جمعیتی در فرهنگ عامه ایران (با تأکید بر ضرب‌المثل‌ها)»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۳۲-۳۱: ۶۹-۶۶.
- قربانی، زین‌العابدین (۱۳۱۴)، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کارگری، محمد (۱۳۸۶)، «بررسی مبانی و اهداف فعالیت‌های تربیتی مدارس در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دیدگاه ابن‌سینا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- کلباسی اشتری، حسین (۱۳۷۱)، «بررسی تطبیقی نظریه معرفت ارسطو و ابن‌سینا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه، دانشگاه تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- کتابی، احمد (۱۳۸۷)، *درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی (با تجدید نظر کلی)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- لوکاس، دیوید، میر، پاول (۱۳۸۷)، *درآمدی بر مطالعات جمعیت‌شناسی*، ترجمه حسین محمودیان، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- متز، آدام (۱۳۶۴)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا (رنسانس اسلامی)*، جلد اول، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۴)، «نظریه عقل در فلسفه ابن‌سینا»، *نشریه گروه تحقیقاتی*: ۱۵۹-۱۴۷.
- محمدرضایی، محمد، سعادت، احمد (۱۳۸۹)، «رویکرد اشراقی ابن‌سینا در هستی‌شناسی»، *فصل‌نامه معرفت فلسفی*، سال هفتم، شماره سوم: ۸۷-۵۶.
- مسکویه، ابوعلی (۱۳۶۹)، *تجارب الامم*، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران: نشر سروش.
- المقدسی، شمس‌الدین ابو عبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه دکتر علی‌نقی وزیری، جلد ۱، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤلفان و مترجمان ایران.
- میرزایی، محمد و علیخانی، لیلا (۱۳۸۶)، «برآورد سطح و بررسی عوامل مؤثر بر مرگ‌ومیر شهر تهران در سال ۱۳۸۴ و روند تحولات اپیدمیولوژیکی آن در سی ساله اخیر»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره ۲، شماره ۳: ۳۰-۶۰.
- نجم‌آبادی، محمود (۱۳۵۲)، «ابن‌سینا، نابغه جهان پزشکی (اجزاهای ابن‌سینا)»، *مجله هنر و مردم*، شماره ۱۲۷: ۲۴-۸.
- نجمی زنجانی، محمد (۱۳۱۹)، *ابن‌سینا و تدبیر منزل*، تهران: مجمع نشر کتاب.
- ندری ابیانه، فرشته (۱۳۶۹)، «فلسفه سیاسی ابن‌سینا و مقایسه آن با آراء خواجه نصیرالدین طوسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۴)، *سه حکیم مسلمان*، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات کتاب‌های جیبی.
- نعمتی، جواد (۱۳۸۹)، «بررسی تاریخی بحث برهان عشق به خداوند از ابن‌سینا تا امام خمینی (ره)»، پایان‌نامه دکتری تخصصی فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- نفیسی، محمود (۱۳۶۸)، *سیری در اندیشه‌های اجتماعی مسلمین*، تهران: انتشارات امیری.
- نقدی، اسدالله (۱۳۸۶)، «*افکار اجتماعی بوعلی سینا*»، همدان: همایش بین‌المللی ابن‌سینا.
- یعقوبیان، محمدحسن (۱۳۸۶)، «وحی نبوی از دیدگاه ابن‌سینا و غزالی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- یوسفی، حیات‌الله (۱۳۸۹)، «الزام سیاسی در فلسفه سیاسی ابن‌سینا»، *معرفت سیاسی*، سال دوم، شماره دوم: ۶۷-۹۴.

- Abbasi-shavazi, M.J and P, McDonald (2005), "*National and provincial-level fertility trends in Iran 1972-2000*", *Working Paper in Demography*, No. 94, Demography and Sociology Program, Research School of Social Sciences, Australian National University.
- Espenshade, Thomas (1977), "The value and cost of Children", *Population Bulletin*, 32(1).
- Golbasi Z, Taskin L. (2009), "Evaluation of school-based reproductive health education program for adolescent girls", *Int J Adolesc Med Health* 2009, 21(3): 395-404.
- Hoffman, Lois and Hoffman, Martin (1973), "The value of Children to Parents, in J, Fawcett (ed.)", *Psychological Perspectives on Population, Basic Books*, New York: 19-76.
- Moronkola OA, Ojediran MM, Amosu A. (2006), "Reproductive health knowledge, beliefs and determinants of contraceptives use among women attending family planning clinics in Ibadan, Nigeria". *Afr Health Sci* 2006, 6(3): 155-9.
- Preston, S. H (1985), *Recourses, Knowledge and Child Mortality*, Population Studies Center, University of Pennsylvania, U. S. A.
- Rosa, Franz (1976), "Breastfeeding: a motive for family planning", *People*, 3(1): 10- 13.
- Rutstein, Shea O. (1991), "The impact of breastfeeding on Fertility", in *Demography and Health Surveys World Conference, IRD/Macro International Inc, Columbia, Maryland*: 897- 924.
- Shryock, Henry S. and Siggel, Jacob S. (1971), *The methods and Materil of Demography*, Washington D.S.: U.S. Bureau of the Census.
- United Nations (1996), World Population Data Sheet.
- United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR) 1999," Reproductive health in refugee situations: An inter-agency field manual", Available from: <http://www.unhcr.org/refworld/docid/403b6ceb4.html> Accessed 5 May 2009.
- WHO (1997), *Progress in reproductive health research*, 42:1.